



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷-۸۸۹۸۶۸۲۸
نمبر: ۸۸۹۸۶۸۲۸-۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳۰-۲۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱:۱۸ آذان مغرب ۵:۱۷ آذان صبح فردا ۵:۳۷ طلوع آفتاب ۷:۰۳

شتر

روزنامه

شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۱ | ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۲ | ۲۰ فوریه ۲۰۱۳ | سال دهم | شماره ۱۶۶۲ | ۱۲ صفحه + ۱۶ صفحه ضمیمه

نقد فرهنگ

جشنواره، جایزه و دیگر هیج



● **روبرت صافاریان**

● نخستین جشنواره فیلم به شکلی که امروز می‌شناسیم در سال ۱۹۳۲ در «ونیز» کارش را شروع کرد. یعنی ۸۰ سال پیش. نخستین دوره جشنواره «کن» ۱۴ سال بعد از آن، بعد از جنگ جهانی دوم برگزار شد و امروز پدیده جشنواره چنان جای مهمی را در فرهنگ عمومی جوامع به دست آورده است که حتی تصور اینکه مردم آن روزگار بدون جشنواره و جایزه چه می‌کردند، مشکل است. «دایره‌المعارف بریتانی» جشنواره را این‌طور تعریف کرده است: همایشی معمولاً سالانه با هدف ارزشگذاری فیلم‌های نو یا برجسته. جشنواره‌ها که معمولاً از سوی دولت‌های محلی یا ملی، صنعت فیلمسازی، سازمان‌های خدمات سینمایی، گروه‌های فیلم تجریمی و تبلیغات‌چی‌های منفرد حمایت می‌شوند، فرصتی فراهم می‌آورد برای فیلمسازان، توزیع کنندگان، منتقدان و دیگر علاقه‌مندان تا در جلسات نمایش فیلم‌ها شرکت کنند و درباره تحولات جدید در عرصه سینما بحث کنند. در جشنواره‌ها توزیع کنندگان فیلم می‌توانند فیلم‌هایی را که به نظرشان می‌تواند در کشور خودشان بازار داشته باشد، بخرند

این تعریف توصیف کلاسیک آن چیزی است که جشنواره قرار بوده است باشد، اما این روزها جشنواره‌های سینمایی (از جمله جشنواره فیلم فجر خودمان با همه تفاوت‌هایی که با جشنواره‌های معتبر سینمایی جهان دارد) هرچه بیشتر به سمتی میل کرده‌اند که با اهداف تعریف شده بالا تقلیل دارد. این روزها جشنواره‌ها شوهای بزرگ هستند. تکیه آنها بیشتر روی زرق‌وبرق، بخش‌های جنبی سرگرم‌کننده و تعداد هرچه بیشتر فیلم‌ها و بخش‌ها و نمایش‌هاست. خاطرم نیست که گفته بود که جشنواره کن جای فیلم دیدن نیست. مراسم افتتاحیه و اختتامیه، حضور ستارگان سینما و سستاره – کارگردان‌ها، فرش‌های قرمز، پوشش رسانه‌ای جهانی یا ملی، کمیته، جایزه‌ها و تندیس‌ها تصورش را بکنید که در هر روز دلخواه سال ده‌ها جشنواره در گوشه‌و کنار دنیا بر گزار می‌شود و فیلم‌های منتخب این جشنواره‌ها ارتباطی به ارزش هنری فیلم‌ها ندارند، البته متولیان جشنواره نمی‌خواهند با انتخاب فیلم‌های کلاما بی‌ارزش، اعتبار جشنواره از بین برود. اسامی هیات داوران و به‌خصوص رییس هیات داوران برای جشنواره اعتبار می‌آورد. اما چطور می‌شود آدم‌های معتبر را در هیات داورى نشانند و در ضمن فیلم دلخواه مدیران جشنواره انتخاب شود (یا دست‌کم فیلم دلخواه‌شان انتخاب نشود). این البته یکی از مهارت‌های مدیریت جشنواره است که داوران را چطور بچینند و چه فیلم‌هایی برای داورى در اختیارشان بگذارند که کارش دچار مشکل نشود.

گفته می‌شود که جشنواره‌ها به رونق سینما کمک می‌کنند. خودم بارها به مناسبت جشنواره‌های گوناگون این را نوشتم، اما تجربه نشان می‌دهد که دست‌کم در مورد ما چنین نیست. تجربه غم‌انگیز تماشای چند فیلم موفق جشنواره پارسال در زمان اکران عمومی آنها در سالن‌های خالی و سینماهای سوت‌و‌کور خلاف این را نشان می‌دهد. اما هدف اصلی جشنواره‌ها، آنچه در تعریف کاملاً خنثی بریتانیکا غایب است، کار‌کرد آنها به عنوان مراکز قدرت شکل‌دهی به سلیقه‌های زیبایی‌شناختی و اندیشه‌های سیاسی – اجتماعی است. بزرگ‌ترین برندگان مراسم اعطای جایزه و جشنواره‌ها خود آنها هستند. فارغ از اینکه اسکار را به‌که بدهند، برنده اصلی خود اسکار است. برنده اصلی نخل طلا و خرس طلا و… هستند. جشنواره‌ها رویدادهای آیینی بزرگی هستند برای تبلیغات تجاری، اما در ضمن خود، مراجع مهم برندسازی هستند: لوگو ی کن، لوگو ونیز و هزاران لوگو دیگر. موفقیت مدیریت یک جشنواره را می‌توان با این معیار سنجید که شرکت در بخش مسابقه آن تا چه اندازه به اعتبار یک فیلم می‌افزاید و جایزه آن تا چه اندازه برای یک فیلم اعتبار می‌آورد (اعتبار هنری یا اعتبار تجاری که به معنای فروش افزون‌تر آن در گیشه است).

چندین سال پیش تهیه‌کنندگان فیلمی (اگر اشتباه نکنم «مرد عوضی ۲») بر یکی از بیلبوردهای تبلیغاتی‌شان با حروف درشت نوشته بودند «برنده هیچ جایزه از — مین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر». نمی‌دانم نتیجه این تبلیغ چه بود، اما نکته جالب آن، این بود که به نظر سازندگان فیلم آمده بود که جایزه نگرفتن از یک جشنواره هم می‌تواند تبلیغی باشد برای یک فیلم برای جلب بیننده. به همین ترتیب پذیرفته نشدن یک فیلم در یک جشنواره می‌تواند چنین تأثیری نداشته باشد. جشنواره بسته به پیشینه نیک و بدش که جایزه‌اش نماد آن است، می‌تواند به طریق سلبی، با رد کردن فیلم‌ها هم به آنها جایزه بدهد و البته این جایزه هم مانند جایزه‌های اثباتی، آن ارتباط ادکی با ارزش هنری فیلم‌ها دارند.

پژوهش علمی با هدف دن‌رودیدن مرز دانش، محترم و یکی از شرافتمندانه‌ترین شیوه‌های مطرح شدن ملت‌ها، اشخاص و حتی ارگان‌ها در جهان است. چاپ مقالات علمی پژوهشگران داخلی در مجلات خارجی (Institute for Scientific Information) بی‌شک مزیت‌هایی دارد. مثلاً ما ایرانی‌ها می‌توانیم ادعا کنیم در علم «هروز» هستیم و فعالیت‌هایمان در حوزه‌های پژوهشی مورد نقد جهانیان است و الخ! این صورت خوش ماجراست و بازار مکاره علم‌فروشی در خیابان انقلاب صورت دیگری از پژوهش موسسات دانشگاهی است. شما می‌توانید بدون اینکه دست به تولید علم بزنید با پرداخت مثلاً یک میلیون ۵۰۰ هزار تومان با لابی موسسات به اصطلاح علمی وطنی صاحب یک مقاله ISI شوید. به خیابان انقلاب می‌روم تا یک مقاله ISI به نام خودم در یک نشریه تخصصی علمی چاپ کنم. اما در واقع می‌روم خیابان انقلاب، تا نه و نوبی چگونگی انتشار یک مقاله علمی را در ژورنال‌های بین‌المللی دریابوم. طبق معمول خیابان انقلاب شلوغ است و پر مشتری. میان‌های و هو ی جارچی‌ان و روزه باد، کافذهای رنگی تبلیغات دانشگاهی چون پرچی است در باد. حوالی دانشگاه تهران و خیابان‌های منتهی به میدان انقلاب پر است از تبلیغ پروپوزال، پایان‌نامه، مدرک دیپلم، ترجمه، مقالات ISI و… خیلی سریع تکه‌های آماده برش را از تبلیغات آویخته بر در و دیوار می‌کنم و بی‌هیچ مقدمه‌ای می‌روم طبقه اول پاساژ فروزنده تا پای حرف‌های منشی گروه فنی و تحقیقاتی «چ» بشنیم. سرور معروف دانشگاه تهران از پشت شیشه‌های دودگرفته پاساژ بیادست. می‌گویم: «می‌خواهم مقاله ISI در یک ژورنال معتبر منتشر کنم». چند مشتری مثل من نشست‌اند. خاتم منشی تعارف می‌کند. لبتا اسامی کسانی که از طریق این موسسه توانسته‌اند مقالاتشان را در ژورنال Life science Journal چاپ کنند از ماینیتور کامپیوترش ببینم. Ctrl F را می‌گیرد و اسامی چند نفر را سرچ می‌کند: کنتر… می‌روم سر اصل مطلب. می‌خواهم یک مقاله برای انتشار پیشنهاد دهم. هزینه‌اش چند می‌شود؟ به نظر می‌رسد نرخ موسسه … که تکرار می‌کنند ژورنال‌هایش مورد تأیید وزارت علوم است، «رخ قابل قبول تری است». این را یک مشتری خالم به همراهش گوشزد می‌کند. طبق نرخ این موسسه هزینه Accept می‌مقاله، یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌شود که یک ماه هم وقت می‌برد. هزینه انجام تمامی کارهای تهیه و انتشار آن مقاله به پای شما، دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان آب می‌خورد! برای استخراج مقاله از پایان‌نامه خودم هم ۲۵۰ هزار تومان و برای هر صفحه ترجمه ۱۵ هزار تومان فراتر است از من پول بگیرند. با این پیش‌زمینه خیابان ۱۰۲ فردین را رد می‌کنم. با یک «دادن» که دایم مرا یاد «جارچی‌ها» می‌اندازد، به طبقه سوم ساختمان شماره ۳۱۰ می‌روم تا با مدیران یک موسسه علمی – پژوهشی که وابستگی ویژه‌ای به یک کمیای بزرگ نفتی دارند، وارد گفت‌وگو شوم. به گفته «دادن» این روزها بازار مقاله‌های ISI داغ است و دانشجویان ایرانی برای خروج از کشور و

گزارش میدانی

بررسی بازار مکاره فروش مقالات بین‌المللی در میدان انقلاب

«آی اس آی» چند؟

جواد حیدریان

استفاده از فرصت بورسیه صف کشیده‌اند. آنها وقتی می‌روند با در دست داشتن یک یا دو مقاله ISI در ابتدای ورود ۲۰۰ یورو کسب‌اند و آن‌ورآی‌ها هم تحویلشان می‌گیرند. وارد واحد «گروه مشاورین س» می‌شوم. ابتدا برگه‌ای که رشته، گرایش، موضوع، مشخصات شخصی و نمره تلفنم را می‌خواهد پر می‌کنم و در انتظار می‌مانم. آقای مهندس وارد اتاق می‌شود. من برای گفت‌وگو با او به اتاق دعوت می‌شوم. سه تا پنج ژورنال معتبر به من معرفی می‌شوند که به گفته آقای مهندس تأییدیه تاسون رویترز (Reuters Tamso) با مارک ISS را دارند و به شدت معتبرند. این گروه البته زمان آرایه مقاله را دو تا چهار ماه اعلام می‌کند. زمان زیادی است ولی آقای مهندس معتقد است: «مقاله بسته به ماهیت قوی علمی‌اش، رنج قیمتش متغیر است» و! نهایتاً می‌گوید: «مقاله معتبر از دو میلیون تا دومیلیون و ۲۰۰ هزار تومان خرج دارد».

اینجا مشخصات دانشجویان دیگر را به من نمی‌دهند. همه چیز محرمانه است. می‌خواهم از طریق یکی از آنها مطمئن شوم گروه علمی مناسبی را انتخاب کرده‌ام اما اطلاعات کسانی که خواهان اکسپت مقاله‌شان هستند در این شرکت جزو مسائل سری محسوب می‌شود. چون رابطه‌اش استاد و دانشجو باید محرمانه باقی بماند. ضمن اینکه متوجه شدم بعضی از استانان در این فرآیند «ست‌خوش» می‌گیرند! دفتر بعدی کار گروه همیاری «ن» است که مقالات ISI را همراه با پذیرش، آموزش، مشاوره، نگارش و چاپ تبلیغ کرده است. از طریق تبلیغات میدانی که به رنگ‌های مختلفی در سِر و کول خیابان انقلاب آویزان است، دفتر مرکزی را پیدا می‌کنم. وارد دفتر می‌شوم و مدارک‌م را همان ابتدای خواهند. خودم را فوق لیسانس محیط زیست معرفی می‌کنم که می‌خواهم مقاله‌ای درباره آلودگی هوا منتشر کنم. اینجا همه ماهنگتی برای تعیین قیمت و کیفیت مقاله بین استاد و دانشجو تعیین می‌شود. هر چه تفاهم شد همان قبول است. ولسی آخرش از یک تا دو میلیون باید سرمایه بگذارم و در ژورنالی معتبر که نامش را نمی‌گویند منتشر می‌شود.

در هوای انتشار یک مقاله بین‌المللی تخصصی خیابان



خرید مقالات «آی‌اس‌آی»

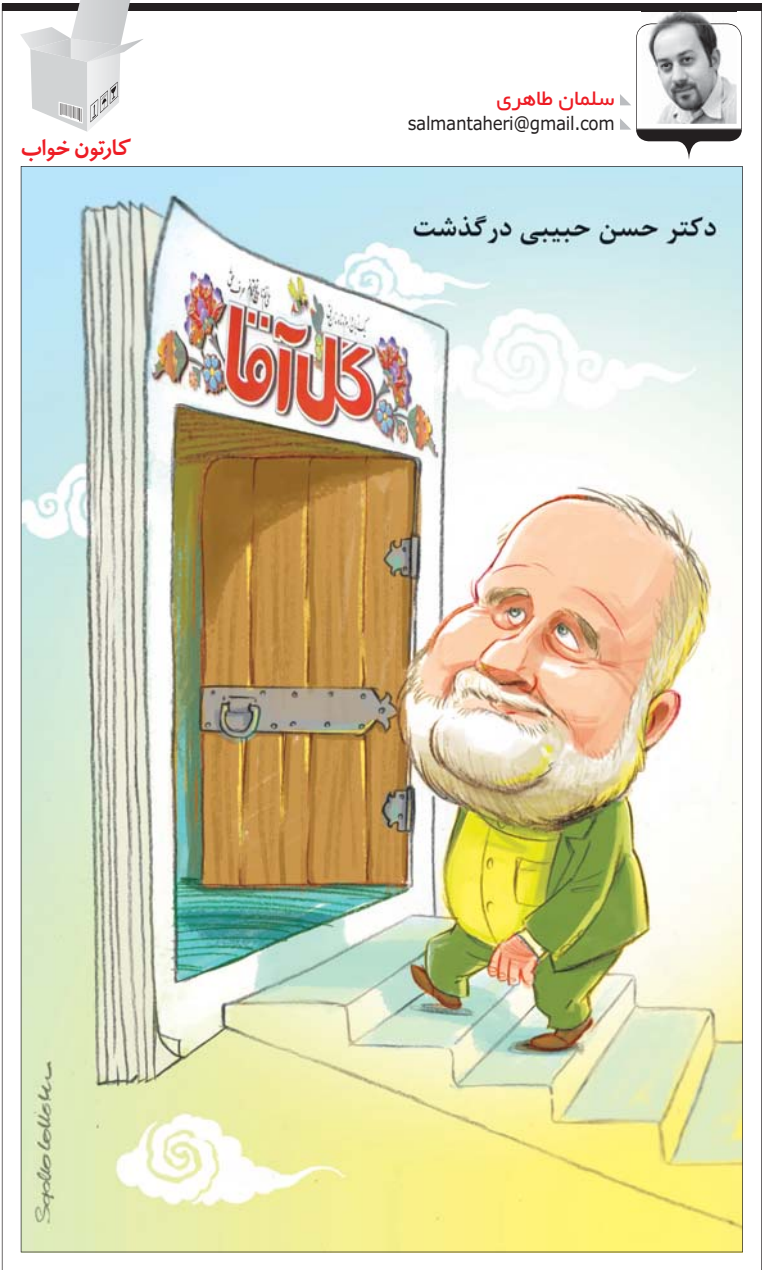


سعید ارکان زاده‌بیزی

در سراسر خیابان انقلاب، درست روبه‌روی دانشگاه تهران با آن سرسرد معروف و افتخار آمیزش، تا چند ماه پیش، دادزن‌ها فریاد می‌زدند: «پایان‌نامه، پروپوزال». حالا این روزها دادزن‌ها فریاد می‌زنند: «پایان‌نامه، پروپوزال، آی‌اس‌آی». منظورشان از آی‌اس‌آی، مقالات علمی نمایه‌شده در مجلات عضو موسسه اطلاعات علمی با ISI (Institute for Scientific Information) است که از ۱۰۰ سال پیش بنیان گذاشته شده و تاکنون بیش از ۱۴ هزار مجله علمی، با موضوع علوم انسانی را رشته‌های مهندسی و پزشکی، در سرتاسر جهان عضو این موسسه هستند. چاپ یک مقاله علمی در مجله‌ای عضو ISI – که در اصطلاح به مقاله ISI معروف است– اعتبار علمی بسیار زیادی برای نویسنده مقاله و ارتقای رتبه برای استادان دانشگاه در پی دارد. اما مثل بسیاری از مسایل دیگر، چاپ مقاله ISI دستخوش بازی‌ها و تقلب‌ها و ظاهرسازی‌های عجیب و غریب شده است؛ تعدادی از استانان دانشگاه را می‌شود دید که می‌گویند ۵۰ یا حتی ۱۰۰ مقاله ISI چاپ کرده‌اند. مقاله علمی معمولی حاصل یک پژوهش است و به طریق اولی، یک مقاله ISI نتیجه یک پژوهش بسیار جدی و وقت‌گیر. یک استاد دانشگاه، هرچند هم تمام وقت بشهره‌روزش را روی

سلمان طاهری

salmantaheri@gmail.com



زاویه دید

دکتر حبیبی، نمونه «اعتدال» و «نقدپذیری»



هادی حیدری

در گذشت دکتر حسن حبیبی همان‌قدر برایم دردناک بود که درگذشت مرحوم کیومرث صابری (گل‌آقا). این دو بزرگوار در سال‌هایی از تاریخ ما پیوندی عمیق با یکدیگر داشتند. هرگز صبح روز تشییع جنازه گل‌آقا را فراموش نمی‌کنم که دکتر حبیبی چون پیرمردی برابر از دست داده، بر پیکر مرحوم صابری می‌گریست. پیوند این دو نه فقط از منظر دو دوست، بلکه از آن جهت قابل توجه بود که یکی در جایگاه منتقد و دیگر در مقام مسئول و پاسخگو، همواره مورد انتقاد مشفقانه بودند. بسیاری از مردم، مرحوم حسن حبیبی را از کارتون‌هایی شناختند که همواره بر جلد مجلات «گل‌آقا» منتشر می‌شد. دکتر حبیبی گویی سرقفلی کارتون‌های روی جلد گل‌آقا را در دست داشت؛

گزارش یک مرگ

سیاوش کسرابی ◀ شاعر



سیاوش کسرابی، شاعر، روز ۱۹ بهمن ۱۳۷۴ در شهر وین اتریش از دنیا رفت. او علاوه بر ادبیات به عنوان یک فعال سیاسی چپ‌گرا در تاریخ معاصر ایران شناخته می‌شود. سیاوش کسرابی سراینده منظومه «ارش‌کنانگیر» نخستین منظومه حماسی نیمایی است. وی از شاگردان نیما یوشیج بود که به سبک شعر او وفادار ماند. کسرابی سالیان دراز در حزب توده ایران فعالیت داشت.



ژازه تباتبایی◀ نقاش

ژازه تباتبایی (طباطبایی)، (زاده ۱۳۰۹ در تهران، نقاش، مجسمه‌ساز، شاعر و نمایشنامه‌نویس ایرانی بود.

او «نگارخانه هنر جدید» را که اولین نگارخانه ایران بود تأسیس کرد. ژازه خود نام خویش را «تباتبایی» امضا می‌کرد. از او به همراه تنی چند از نقاشان معاصر ایرانی به عنوان پیشگامان مکتب سفاخانه در ایران یاد می‌شود که در اوایل دهه ۴۰ شمسی شکل گرفت. وی در ۲۰ بهمن ۱۳۸۶ در سن ۷۷ سالگی در تهران درگذشت.

ثبت یک تولد



محمدعلی فردین ◀ بازیگر

محمدعلی فردین، بازیگر سینما متولد ۱۵ بهمن ۱۳۰۹ در شهر تهران. مردی که ابتدا به عنوان یک بدلکار در فیلم «هولوه‌ها» شاپور یاسمی نقش برادر دوقلوی ناصر ملک‌مطیعی را بازی کرد و بعد از آن پایش از تشک کشتی به پرده سینما کشیده شد. او با فیلم «آقای قریب» به شهرت رسید و با فیلم «گنج قارون» به اوج محبوبیت دست یافت.



کریستیانو رونالدو ◀ فوتبالیست

کریستیانو رونالدو دوس سانتوس اویرو در ۵ فوریه ۱۹۸۵ در فونچال به دنیا آمد. نام کوچک این بازیکن نام‌آشنای پرتغال و تیم فوتبال باشگاه رئال مادرید از نام اول رونالد ریگان رییس‌جمهوری آمریکا گرفته شد. چرا که ریگان مورد علاقه پدرش بود. اگرچه او برنده توپ طلای اروپا و جهان شده ولی در رقابت با لیونل مسی رقیب آرژانتینی‌اش اغلب ناگام مانده است.

«جامعه‌شناسی تئاتر» جلال ستاری مجوز نشر گرفت



ایسنا: «جلال ستاری» از صدور مجوز نشر برای کتاب «جامعه‌شناسی تئاتر» خبر داد. این نویسنده و پژوهشگر پیشکسوت گفت: بعد از مدت‌ها ترجمه کتاب «جامعه‌شناسی تئاتر» اثر ژان‌ژنه که از سوی نشر مرکز برای دریافت مجوز نشر ارسال شده بود، مجوز گرفته است. «جامعه‌شناسی تئاتر» از مهم‌ترین آثاری است که در حوزه تئاتر خلق شده است. ستاری همچنین با اشاره به کتاب «کنش اسطوره» که در نشر مرکز زیر چاپ است، درباره این کتاب گفت: این کتاب بُب و اساس حرف‌های من درباره اسطوره و اسطوره‌شناسی است.

قلم‌انداز

روی حوض و توی حوض



سیروس ابراهیم‌زاده

● تئاتر «خت‌حوضی» بی‌تردید یکی از میراث‌های فرهنگی ارزشمند خاک پاک است. استاد «پهرام بیضایی» به عنوان آغازگر پژوهش‌های نمایش در ایران حق مطلب را به خوبی ادا کرده و راه را برای تحقیقات و تاملات بیشتر گشوده است. در این هنر گرانقدر، همچون زمینه‌های دیگر فرهنگ، اگر عمیق‌تر بنگریم لایه‌هایی را کشف می‌کنیم که نشان از ویژگی‌های تاریخی و اجتماعی مردم میهن عزیزتر از جان ما دارد و چه بسا که لحظه‌ای به تفکر وادارمان کند و در خود بنگریم تا ببینیم کیستیم. توجه فرمایید: ۱- در این نمایش‌ها، رابطه «حاجی» و «سیاه» یعنی «رباب و نوکر» یا «فردانست و فردوست» از نوع خاصی است. «نوکر» در ظاهر فرمانبردار «رباب» است و حیاشش به او وابسته. هرگز به نظر نمی‌رسد که علیه ولی‌نعمت خویش بشود و خود را از بند او رها سازد یا حتی ترک خدمت کند، ولی در باطنش آتینان از کارفرمای خویش متنفر است که می‌خواهد کلاهش را بکند! «بله قربان، بله قربان!» از دهنش نمی‌افتد ولی در واقع می‌خواهد سر به تنش نباشد. در جلوی آریاب دست به سینه می‌ایستد و برای تعظیم تا به زانو خم می‌شود ولی پشت‌سر او شکل درمی‌آورد و از اشارات توهین‌آمیز به اعضای «آقا بالاسر» فروگذار نمی‌کند… و البته این یکی از ابزارهای کارکنشته نمایشی است که سخت در دل تماشاگران می‌نشیند، چرا که بیان‌کننده آرزوها و رویاهای اغلب مخاطبان است. به عبارت دیگر اینکه باید بگیریم «چشم»، را هر چه غلیظ‌تر بزرزان آوریم، ولی در ذهن ما مفاهیم «آره، ارواح بابلاتا» و «به همین خیال باش!» نقش ببندد.

۲- بازیگران «خت‌حوضی» در تطبیق شیوه اجرایی خویش با زمان و مکان نمایش و منش تماشاگران مهارت بسیاری دارند. مثلاً وقتی در خانه اعیان و با حضارن شسته روفته‌مقیز روبه‌رو می‌شوند، برخلاف مجلس یقه‌چرکن‌ها، هوای جفت‌بوست دهان خود را دارند و حرکات بی‌ادبانه با و دست و انگشتان معجزه‌آسا حذف می‌شود یعنی همان مصلحت‌اندیشی و بردباری و درک موقعیت‌های متضاد و هواخوری در حوالی خط قرمزها، بی‌آنکه در روز روشن خطر عبور از خط و خطوط را بخرد هموار سازیم!

۳- بخش عمده‌ای از مهارت بازیگران تخت‌حوضی در اجرا، صرف حذف همدیگر می‌شود و به جای همکاری، هر یک می‌کوشد در جلوه‌گری و جلب توجه بیشتر تماشاگران، همبازی خود را خراب کند… و این برمی‌گردد به باور برخی از ما مردم که برای رسیدن به جایی، اگر نتوانستی با روی ششانه دیگران بگذاری و بسالا بروی، حقیقتان کن… شاعر می‌سراید: کوه‌ها با هم‌اند و تنه‌ایند همچو ما با همان تنه‌ایان خانوادا همدلی درختان جنگل را به مردم ما ازانی دار که ریشه‌ها و شاخه‌هایشان درهم تنیده است. آمین

نوشتن در سایه انقلاب

همیشه حادثهای در حال رخ دادن است

ترجمه: مریم حیدری

● در این ستون، می‌خواهیم بدانی‌م نویسنندگان عرب، در هر یک از کشورهایی که در آنها جنبش یا انقلاب صورت گرفته، چه می‌کنند؟ آیا اصلاً می‌نویسند؟ چه می‌نویسند؟ آیا در زمینه‌های تخصصی ادبی خودشان در دوره پیش از انقلاب می‌نویسند یا به نوشتار سیاسی روی آورده‌اند؟ **فواز حداد – سوریه – رمان‌نویس** از شروع جریانات تاکنون، هم و غم اساسی ما وطن است. حالا تنها این حوادث برای ما مهم نیستند، بلکه آینده است که مهم است. در برابر چیزی که در واقعیت، در حال وقوع است، خیال کم‌رنگ می‌شود و ما اهمیت زیادی به آن نمی‌دهیم، تا وقتی که کشتارها و حوادثی که هر روز اتفاق می‌افتد، فراتر از خیال‌اند، خیال کمکی به ما نمی‌کند. منظومه‌های که سال‌ها در آن می‌چرخیدیم، امروز نمی‌تواند روشنگر چیزی باشد. مادر قلب حوادثیم و هر لحظه ممکن است وارد جنگ داخلی یا کشتار فرقه‌ای شویم، پس توجهی‌های خوش‌بینی وجود ندارد. چیزی که دارد اتفاق می‌افتد، حد و مرزی ندارد. همیشه چیزی هست که در حال رخ‌دادن است و هر حادثه‌ای از حادثه قبل از خود، فراتر و شگفت‌انگیزتر. نا‌وتانی، کم‌ترین چیزی است که نویسنده در جریان این ویرانی و بمباران‌ها و شهدا با آن روبه‌رو می‌شود. نوشتن درباره این چیزها آسان نیست، بلکه نیاز به تامل و حتی احتیاط دارد. هیچ ضلعت و امنیتی برای آینده قابل پیش‌بینی نیست. در سایه این حوادث رعب‌انگیز، یادداشت‌ها و مطالبی می‌نوسم که آنها را یک تمرین به حساب می‌آورم و نمی‌توانند یک رمان باشند. رمان، گستره‌ای است فراخ و جامع که پیش از سیر در آن، باید پیش‌زمینه‌اش، تشکیل و ابعاد، نشانه‌ها و جزئیاتش مشخص شود.